

رفتار آمریکا در بحران آذربایجان: از تردید اولیه تا مداخله

۲۵ مرداد ۱۴۰۵ ساعت ۱۵:۴۶

آمریکا نشان داد که ابزار «تهدید» را بر «تشویق» ترجیح می‌دهد و برای حفظ نظم جدید (که در آن دو سوم جهان تحت سیطره آمریکا قرار داشت)، حاضر است مستقیماً در برابر گسترش کمونیسم بایستد. اگرچه این رویکرد در نهایت به حفظ یکپارچگی ایران انجامید، اما انگیزه اصلی آن تأمین منافع استراتژیک و نفتی ایالات متحده و اردوگاه غرب بود. ایالات متحده به عنوان هژمون جدید ترس این را داشت که گسترش نفوذ شوروی در غرب آسیا منافع خود را در این منطقه از دست دهد.

بحران آذربایجان از آن حیث در تاریخ ایران حائز اهمیت است که می‌توانست بزنگاهی باشد برای جدایی بخش‌هایی از خاک ایران. اما بازیگری قوام و آنچه این مقاله در خصوص نقش ایالات متحده بیان می‌شود زمینه‌ساز خروج روس‌ها از ایران شد. این مقاله بر آن است که ایالات متحده در خصوص بحران آذربایجان، در دو برهه زمانی دو رویکرد متفاوت را در پیش گرفت. حال سوال این است: این دو رویکرد کدامند و چرا آمریکا در مراحل مختلف آنها را اتخاذ کرد؟ آیا آمریکا برای آزادی ایران، مقابل شوروی ایستاد؟!

مرحله اول: پیروی از انگلستان

در مرحله نخست مواجهه با بحران آذربایجان، سیاست آمریکا تابع انگلستان (هژمون پیشین) بود. واشنگتن و لندن هر دو تقاضای امتیاز نفت شمال از سوی شوروی را تا حدی حق‌دارانه می‌دانستند. آن‌ها نگران آن بودند که افزایش فشار بر روس‌ها برای خروج از آذربایجان و دست‌کشیدن از حمایت فرقه دموکرات، به رویارویی نظامی بیانجامد. از این رو، در کنفرانس مسکو (که برای تعیین حدود نفوذ پس از جنگ تشکیل شده بود)، تقسیم ایران به حوزه‌های نفوذ را عاقلانه‌تر از جنگ بر سر ایران ارزیابی کردند.

مرحله دوم: استقلال و رویارویی با شوروی

اصل بحث این یادداشت در خصوص مرحله دوم رویکرد آمریکاست. آمریکا خیلی زود راه خود را از انگلستان جدا کرد. چندین عامل بین‌المللی در این تغییر رفتار مؤثر بود:

۱. اواخر فوریه ۱۹۴۶: دولت کانادا وابسته نظامی شوروی در اتاوا را متهم به رهبری یک گروه جاسوسی برای به دست آوردن اسرار اتمی آمریکا کرد.
۲. اوایل مارس ۱۹۴۶: روس‌ها مدعی شدند مناطق قارص و اردهان در ترکیه باید به شوروی بازگردانده شوند.
۳. همزمان در منچوری چین: شوروی اقدام به انتقال صنایع و کارخانه‌های جنگی به خاک خود کرد.

این حوادث باعث شد که هژمون جدید (آمریکا) به فکر تثبیت نظم نوین جهانی بیفتد، به گونه‌ای که مطامع کمونیستی مرزهای نظام سرمایه‌داری را فرو نریزد.

از سوی دیگر، سرنوشت جامعه ملل (و سپس سازمان ملل) پیش روی آمریکا بود. عدم تعهد شوروی به توافق سه‌جانبه تخلیه ایران، برای نخستین بار پس از جنگ، ارزش پیمان‌های متفقین را زیر سؤال برد و فضای سیاسی جهان را علیه شوروی تغییر داد.

هشدار سفیر آمریکا و اولتیماتوم ترومن

والس موری، سفیر آمریکا در ایران، به واشنگتن هشدار داد که هدف نهایی شوروی روی کار آوردن حکومتی کمونیستی (مانند حکومت گروزا در رومانی) در تهران است. او تأکید کرد که سلطه شوروی بر ایران به طور قطع به منافع آمریکا آسیب می‌زند و ممکن است شامل دستیابی به خلیج فارس و نفوذ به سایر نقاط خاور نزدیک باشد.

در این شرایط، هری ترومن، رئیس‌جمهور آمریکا، در جلسه‌ای مهم با جیمز برنز (وزیر خارجه) و دریاسالار ویلیام لهی (رئیس ستاد مشترک) اعلام کرد که خطر به دست گرفتن ذخایر نفتی ایران (به ویژه در خوزستان) توسط شوروی وجود دارد که موقعیت آمریکا را در خلیج فارس تهدید می‌کند. سنای آمریکا نیز بین دو راهی «کنار آمدن با شوروی» یا «ایستادگی در برابر درخواست‌های آن» گزینه دوم را برگزید. سخنگویان هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه بر اتخاذ موضعی محکم در برابر شوروی تأکید کردند. باید توجه داشت به باور والرشتاین، سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ اوج هژمونی آمریکا بود. بنابراین چنین اقداماتی برای ایالات متحده شدنی بود.

اقدامات عملی آمریکا در این مرحله:

- ۶ مارس ۱۹۴۶: آمریکا یادداشت شدیدالحنی به شوروی ارسال کرد و تأکید نمود که حضور نظامی شوروی در ایران وضعیتی ایجاد کرده که دولت آمریکا به عنوان عضو سازمان ملل نمی‌تواند در برابر آن بی‌تفاوت بماند.
- پس از ضرب‌الاجل خروج نیروهای شوروی: سفارت آمریکا در مسکو یادداشت اعتراضی دیگری تسلیم کرد. همزمان، نبردناو «میسوری» به استانبول اعزام شد (برای بازگرداندن جسد سفیر ترکیه در آمریکا و نیز نمایش قدرت).
- حمایت از شکایت ایران در سازمان ملل: آمریکا از طرح شکایت ایران علیه شوروی در شورای امنیت حمایت کرد و در برابر تالش‌های شوروی برای خارج کردن آن از دستور کار، ایستادگی نمود. حسین علا (نماینده ایران) به تشویق آمریکایی‌ها در سازمان ملل علیه روس‌ها اقدام کرد. نکته جالب آن که قوام‌السلطنه (نخست‌وزیر ایران) علیرغم دستور علنی به علا برای پس گرفتن شکایت، پنهانی به او گفته بود که شکایت را پس نگیرد.
- اعزام جرج آلن (سفیر جدید آمریکا) به ایران: او آشکارا از سیاست ایران در برابر شوروی حمایت کرد.

تفاوت رویکرد آمریکا با انگلستان در چارچوب نظریه نظام جهانی

برخلاف انگلستان (که از ابزار تشویق استفاده می‌کرد)، ایالات متحده به عنوان هژمون نوظهور در مرحله دوم، متفاوت از انگلیس،

از ابزار تهدید بهره برد. آمریکا هرگز مستقیماً از زور استفاده نکرد، اما حضور بمب اتم، اعزام ناوهای جنگی و فشار دیپلماتیک در سازمان ملل، همگی مصادیق تهدید مؤثر بودند. این رویکرد برای تمامیت ارضی ایران بسیار سازنده‌تر از سیاست مدارای انگلیسی بود.

در حالی که انگلستان حاضر بود شمال ایران را به عنوان حوزه نفوذ شوروی بپذیرد (حتی به بهای جدایی احتمالی آذربایجان)، آمریکا با تکیه بر نقش هژمون خود، تلاش کرد شوروی را کاملاً از ایران بیرون براند. وزارت خارجه بریتانیا در گزارشی اعتراف کرد که اقدامات روس‌ها در ایران با یک خط‌مشی «آزمایشی ولی اساساً تعرضی» همخوانی دارد و اگر روس‌ها از اختلاف آمریکا و انگلیس استفاده کنند و بخشی از ایران را بدون جنگ تصاحب نمایند، موقعیت دفاعی و تهاجمی آن‌ها تقویت شده و به آب‌های گرم خلیج فارس و منابع نفتی دست می‌یابند که فروپاشی موقعیت بریتانیا در خاورمیانه را در پی خواهد داشت. نهایتاً، رویکرد قاطع آمریکا، انگلستان را نیز واداشت که از تصور خط‌مشی دفاعی شوروی دست بردارد.

برآیند

ایالات متحده در بحران آذربایجان، مسیری از تبعیت از انگلستان تا رهبری مستقل و رویارویی با شوروی را طی کرد. این تغییر نه از روی انسان‌دوستی یا دفاع از تمامیت ارضی ایران، بلکه بر اساس الزامات هژمونی نوظهور در نظام جهانی سرمایه‌داری بود. آمریکا نشان داد که ابزار «تهدید» را بر «تشویق» ترجیح می‌دهد و برای حفظ نظم جدید (که در آن دو سوم جهان تحت سیطره آمریکا قرار داشت)، حاضر است مستقیماً در برابر گسترش کمونیسم بایستد. اگرچه این رویکرد در نهایت به حفظ یکپارچگی ایران انجامید، اما انگیزه اصلی آن تأمین منافع استراتژیک و نفتی ایالات متحده و اردوگاه غرب بود. ایالات متحده به عنوان هژمون جدید ترس این را داشت که گسترش نفوذ شوروی در غرب آسیا منافع خود را در این منطقه از دست دهد.

۱. حقگو، جواد، رادمرد، محمد (۱۴۰۳)، تحلیل الگوی رفتاری آمریکا و انگلیس در بحران آذربایجان در چارچوب نظریه نظام

جهانی، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۲۵

, Translated by Kaveh Bayat, Iran and the cold war: The Azerbaijan crisis of ۱۹۴۶ ۲. Fawcett, L. (۱۹۹۳).

Tehran: mfa Publication.

-, at: <https://www.eurozine.com/the-world-Eurozine> ۳. Wallerstein, I. (۲۰۱۰). The world system after ۱۹۴۵,

system-after-۱۹۴۵/

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۵۰۳۷۷/مداخله-اولیه-تردید-آذربایجان-بحران-آمریکا-رفتار>